

جوان و قرآن

<?xml encoding="UTF-8">

راههای عملی جذب جوانان به قرآن کریم

1- جوانی، بهار عمر نوجوانی و جوانی بهار عمر و هنگام شکوفایی آن، و آغاز فراز و نشیبهای روحی و جسمی و رسیدن به رشد است. در این دوره کم کم شخصیت انسان شکل می گیرد و پرسشهای فکری و فرهنگی بسیاری در ذهن جوان پیدا می شود. (1) روزهای جوانی لبریز از زیبایی، نشاط، احساسات، لذتهای متنوع، تفریح، و آراستگی است. از سوی دیگر، خداجویی و خدایابی و دین باوری از ویژگیهای این دوران است. ما با درک این ویژگیها و انرژی متراکمی که در آنها وجود دارد، و با تبیین صحیح باورها و ارزشهای دینی و مذهبی، می توانیم روح ناآرام جوان را آرامش و اطمینان بخشیده و او را به نجات و کمال برسانیم. در این نوشتار، می کوشیم تا با استفاده از آیات قرآن و آموزه های دینی و سیره عملی پیامبر و امامان معصوم - علیهم السلام - جوانان را به سوی قرآن کریم فراخوانیم؛ دست کم فاصله جوان را با قرآن بکاهیم و بذریعہ روحی در دلش بکاریم.

عوامل مؤثر در تکوین شخصیت نوجوانان والدین و مربیان باید نقش تربیتی خود را در به وجود آمدن شخصیت انسانی و اخلاقی در نوجوانان ایفا نمایند؛ زیرا شخصیت نوجوانان و جوانان در خانه و کانون خانواده شکل می گیرد و چگونگی شکل گیری آن به نحوه نگرش والدین و رفتار تربیتی آنان باز می گردد.

پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - می فرماید :

«اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ احْسِنُوا اَدَابَهُمْ يُعَفَّرَ لَكُمْ.» (2)

«فرزندانتان را محترم و گرامی بدارید و رفتارشان را نیکو گردانید تا آمرزیده شوید.»

این روایت، به ارزش و منزلت کودک و نوجوان در نظام الهی اشاره دارد و پدر و مادر را شکل دهنده رفتارهای اجتماعی و فردی آنان می داند. شخصیت مطلوب، شخصیتی متعادل و متعالی و هماهنگ با تمام ابعاد وجودی نوجوان است.

پدر و مادر برای تربیت و رشد شخصیت فرزندان، باید عدالت را در میان فرزندان رعایت نمایند؛ حتی در کوچک ترین امر تربیتی، مثل بوسیدن فرزندان، باید ظرافت خاص وجود داشته باشد تا به رشد شخصیت آنان لطمه ای وارد نشود.

مردی نزد پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نشسته بود. در همین حال پسرش وارد شد. مرد او را بوسید و روی زانویش نشاند. سپس دخترش وارد شد، دخترش را جلوی خود نشاند. پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - از این عمل تبعیض آمیز او ناراحت شد و فرمود : «چرا در میان فرزندان عدالت و مساوات را رعایت نکردی؟» سپس فرمود :

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلَةِ.»

«خداوند دوست دارد میان فرزندان، حتی در بوسیدن، عدالت را رعایت نمایید.»

شناخت نیاز جوانان و رفع آن جوان باید هویت و هدف خود را بشناسد و بداند کیست و برای چه تلاش می کند؛ زیرا دشمن درصدد است هویت جوانان را از آنان بگیرد و اهداف عالی و آرمانهای آنها را از بین ببرد و افق زندگی جوانان را تیره کند و از راه تحقیر شخصیت آنان، به اغراض شوم خود دست یابد.

یکی از نیازهای جوانان، توجه نمودن به آرزوی آنان است. در جوان، آرزو داشتن عیب نیست، ولی باید آرزوهای آنان را هدایت و کنترل کرد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید :

«خود جوانها بزرگ ترین مسئولیتها را دارند و می توانند انجام دهند. هر جوانی دوست دارد کشوری که در آن زندگی می کند برخوردار از همه زیباییها و نیکیها باشد، دلش می خواهد جامعه متمدن داشته باشد، دلش می خواهد از پیشرفتهای علمی و عملی برخوردار باشد. این آرزوی هر جوانی است.»(3)

دبیر شورای عالی جوانان ایران به استناد یک نظرسنجی اعلام کرده است که 53 درصد جوانان، اشتغال و 36 درصد آنان ازدواج را بزرگ ترین مشکل خویش می دانند. از طرفی می دانیم کار، وسیله زندگی و به دست آوردن مال حلال است و اسلام به آن سفارش بسیار کرده است. پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرماید :

«طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة.»(4)

«کوشش در راه به دست آوردن مال از راه حلال، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است.»

در سخن دیگر می فرماید :

«ان الله لیبغض العبد الفارغ.»(5)

«خداوند بنده بی کار را دشمن می دارد.»

در این باره مقام معظم رهبری می فرماید :

«جوانان باید با عزم و جدیت با روحیه بی کاری، راحت طلبی، سست ارادگی و وسوسه شیطان در مقابل تعبد و عبادت و رویگردانی از تحصیل و ناامیدی به عنوان موانع رسیدن به یک زندگی مطلوب، مبارزه نمایند.»(6)

اسلام به امر ازدواج و تشکیل خانواده که رکن زندگی بشر است، بسیار سفارش کرده است. پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرماید :

«بنایی با عظمت تر از تشکیل کانون خانواده در اسلام وجود ندارد.»(7)

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - ازدواج را از سنتهای خود شمرده است که باید با کنار گذاشتن برخی آداب و رسوم سخت و دست و پا گیر، راه را برای تشکیل خانواده هموار کرد و همگان وظیفه دارند در این راه گام بردارند.

حضرت موسی بن جعفر - علیه السلام - می فرماید :

«سه گروه در عرش خدا در روزی که سایه ای جز سایه عرش الهی وجود ندارد، قرار می گیرند : کسی که در راه

فراهم نمودن وسایل ازدواج جوانان گام بردارد؛ کسی که به برادر دینی خود خدمت نماید؛ و کسی که در حفظ

رازهای برادر دینی خود کوشش نماید.»(8)

2- جوانان در سیره و سخنان امامان معصوم علیهم السلام پیامبر و امامان - علیهم السلام - با نگاه مثبت به جوان و دوره جوانی می نگرستند. آنها به جوانان شخصیت می دادند و آنان را به خیر و نیکی سفارش می کردند. حق طلبی و آرمان خواهی از ویژگیهای جوانان است و ما نباید از هدایت آنان خسته یا ناامید شویم. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرماید :

«اوصيكم بالشبان خيراً فانهم اَرْقُ أَفْئِدَةٌ ان الله بعثني بشيراً و نذيراً فَحالفني الشَّبان و خالفني الشيوخ.»(9)

«من به شما درباره جوانان به نیکی سفارش می کنم؛ زیرا آنان نازک دل اند و عاطفه ای لطیف دارند. خداوند مرا به پیامبری و بشارت و انذار برانگیخت، جوانان به من گرویدند و مرا یاری نمودند؛ ولی پیران به مخالفت با من برخاستند.»

شخصیت بخشی به نسل نو، محترم دانستن جوانان در جمع خانواده و دیگران و مشاوره با آنان، به آماده ساختن آنان برای فراگیری باورهای دینی و انس با کتاب الهی و سیراب شدن روح تشنه آنان از سرچشمه زلال و پاک کلام خداوند می انجامد.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - می فرماید :

«الولد سيّد سبع سنين و عبدٌ سبع سنين و وزيرٌ سبع سنين.»(10)

«فرزندان تا هفت سالگی آقا و فرمانده اند (یعنی باید به دستورهای آنان عمل شود) و تا چهارده سالگی باید فرمانبر و مطیع باشند (تا آداب و ویژگیهای فردی و اجتماعی را از مربیان بیاموزند) و از چهارده سالگی تا بیست و یک سالگی باید مشاور و کمک کار، و آماده پذیرش مسئولیتهای اجتماعی شوند.»

3- آموختن قرآن در دوره نوجوانی و جوانی مربیان جامعه وظیفه دارند قرآن کریم را که تجلی گاه خداوند و یگانه وسیله ارتباط میان بندگان و آفریدگار جهان است، به میان جوانان بیاورند و آنان را با کتاب خدا آشنا، و اندیشه و عمل آنان را با قرآن هماهنگ کنند و بدین وسیله، قرآن را از انزوا و مهجوریت خارج سازند تا فرستاده خدا در روز قیامت، لب به گلایه ننگشاید :

«و قال الرسول يا ربّ انّ قومي اتخذوا هذا القرآن مهجوراً.»(11)

«و رسول خدا گفت : پروردگارا (با اینکه هشدار دادی و فرمودی اگر می خواهید سربلند و عزیز باشید، به قرآن عمل کنید) قوم من (نه تنها آن را ترک کردند) دوری از قرآن را پیشه خود ساختند.»

بهترین فرصت برای فراگیری قرآن، دوره نوجوانی و جوانی است و آنچه در این دوره فراگرفته شود، ماندگار و جاودان خواهد بود. پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - می فرماید :

«مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَ هُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَيَّ وَجْهَ الْمَاءِ.»(12)

«هر کس در جوانی به دانش اندوزی رو کند، مثل آن است که بر سنگ چیزی نوشته است؛ و کسی که در بزرگسالی و پیری دانش آموزد، همانند نوشتن بر روی آب خواهد بود.»

علی - علیه السلام - نیز می فرماید :

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ.»(13)

«دل جوان به زمین پاک می ماند که هر بذری در آن بیفشانند، همان را می پذیرد.»

امام صادق - علیه السلام - یکی از شاگردان خود را برای تبلیغ و ترویج دین اسلام و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی مردم به شهر بصره فرستاد. بعد از مدتی، تلاش او مؤثر واقع نشد. خدمت حضرت بازگشت و راهنمایی خواست. امام فرمود :

«به محل مأموریت خود بازگرد، و با جوانان کارکن، و آنان را دعوت به حق نما.»

سپس به او فرمود :

«عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ.»(14)

«جوانان را دریاب، چرا که آنان زودتر از دیگران به کارهای خیر روی می آورند.»
اگر جوانان با قرآن مأنوس شوند، آیات روح بخش آن با دل و جان آنان می آمیزد و قلبشان نورانی می شود.
امام صادق - علیه السلام - فرمود :

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ.» (15)
«هر جوان پارسا و باایمانی که به قرائت قرآن بپردازد، قرآن با گوشت و خون او در می آمیزد.»

4- واگذاری مسئولیتهای اجتماعی به جوانان پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - از جوانان برای مسئولیتهای اجتماعی استفاده می کرد و در جنگها و کارهای آموزشی، از نظریات جوانان بهره می جست، هر چند بعد از مشورت، خود تصمیم می گرفت. نخستین معلم قرآن را که به مدینه فرستاد جوانی به نام مصعب بن عمیر بود که از خانواده اشراف قریش، ولی جوانی وارسته و پاک باخته بود. او به هنگام رسیدن به مدینه «مکتب قرآن» تأسیس کرد و مردم مدینه را با قرآن آشنا ساخت.
پیامبر دیدگاه جوانان را در جنگ احد، درباره جنگ و دفاع در خارج از شهر مدینه می پذیرد و در واپسین روزهای زندگانی، اسامه فرزند زید را که هیجده بهار از عمر او می گذشت، به فرماندهی ارتش اسلام منصوب می کند که با لشکر روم - بزرگ ترین ارتش دنیای آن روز - وارد جنگ شوند و سرپیچی از دستورهای او را مستحق لعن و نفرین می داند.

5- سیره پیامبر و امامان و دانشمندان درباره انس با قرآن رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - سعی می کرد مردم با تلاوت قرآن انس بگیرند، و آن را خوب درک و به آن عمل کنند.
پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - خطاب به سلمان فرمود :
«يَا سَلْمَانُ عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ سَتَرٌ فِي النَّارِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ.» (16)
«ای سلمان، بر تو باد که قرآن بخوانی؛ زیرا تلاوت آن گناهان را پاک و باعث نجات از دوزخ خواهد شد.»
تلاوت قرآن تا آنجا ارزشمند است که روزی رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - به عبدالله بن مسعود که از قاریان معروف بود، فرمود : «قدری قرآن بخوان تا گوش کنم.» ابن مسعود مصحف خویش را گشود و آیاتی چند از سوره نساء خواند. هنگامی که به آیه «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ امَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلِيَّ هَوْلَاءَ شَهِيداً» (17) رسید، چشمان رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - پر از اشک شد و فرمود : «دیگر کافی است.» (18)
امام رضا - علیه السلام - شب هنگام در بستر خویش، بسیار قرآن تلاوت می کرد و هنگامی که به آیه ای درباره بهشت یا دوزخ می رسید، می گریست، از خدا بهشت می طلبید و از دوزخ به او پناه می برد. (19)
جاذبه قرآن به قدری است که تلاوت مقداری از آن، زمینه انس با بقیه آن را فراهم می سازد؛ البته اعجاز قرآن سبب می شود که اگر کسی معنای آن را نداند و تنها توانایی تلاوت آن را داشته باشد، به همین مقدار از فیض خدا بهره برد و همین عبادت لفظی، او را به عبادت فکری می رساند. (20)

چه خوش است یک شب، بکشی هوی را / به خلوص خواهی، ز خدا را به حضور خوانی، ورقی ز قرآن / فکنی در آتش، کتب ریا را شود آنکه گاهی، بدهند راهی / به حضور شاهی، چو من گدا را (21)
سیره و روش دانشمندان شیعه در انس با قرآن، راهنمای جوانان، در توجه بیشتر به قرآن خواهد بود؛ شیخ مفید

شبهه اندکی می خوابید، و بیشتر به نماز، مطالعه، تدریس، یا تلاوت قرآن مجید می پرداخت. (22)

علامه محمدتقی مجلسی در اجازه ای که برای فرزندش ملامحمد باقر نوشته، او را به قرائت یک جزء قرآن در هر روز سفارش کرده است. (23)

محدث قمی می نویسد :

«میر داماد محمدباقر استرآبادی قرآن مجید را بسیار تلاوت می نمود، به طوری که برخی گفته اند : در هر شب پانزده جزء قرآن می خواند.» (24)

علامه طباطبائی - قدس سره - شبهای ماه رمضان تا صبح بیدار بود، مقداری مطالعه می کرد و بعد به نیایش و قرائت قرآن و نماز و یاد خدا می پرداخت.

امام خمینی - قدس سره - روزانه چندین نوبت قرآن می خواند و در ماه رمضان هر روز ده جزء قرآن تلاوت می کرد.

خوش بیان کرد آن حکیم غزنوی / بهر محجوبان مثال معنوی که ز قرآن گر نبیند غیر قال / این عجب نبود ز اصحاب ضلال کز شعاع آفتاب پُر ز نور / غیر گرمی می نبیند شخص کور (25)

6- قهرمان گروی و الگوپذیری جوانان یکی از ویژگیهای دوران جوانی، قهرمان گروی و الگوپذیری است. از سوی دیگر، نوگرایی و تنوع طلبی از صفات جوانان است. آنها گاهی به مبانی ارزشی و باورهای وحیانی نیز توجه می کنند و ذهن جست و جوگر آنان، به دنبال حقایق زلال و ناب و منطقی کاوش می کند. (26)

به طور کلی آمیزه ای از شناخت و احساس مذهبی می تواند منجر به برخورداری از یک بازخورد یا بینش مذهبی شود و چگونگی بازخورد مذهبی، زمینه ظهور رفتارهای مذهبی را فراهم می آورد. هرگاه شناخت ما از یک پدیده با احساس خوشایند عجین شود، در ما بازخورد مثبت و آمادگی پدیدار شدن رفتار دلخواهی فراهم می آید. مدیران و مربیان دینی باید پیامهای دینی را پس از ایجاد آمادگی و نگرش مثبت نسبت به موضوع مورد نظر به مخاطبان انتقال دهند. آنها باید خود الگوی آن پیام باشند و بیشتر جنبه های رفتاری را در نظر بگیرند تا اینکه اطلاعات را انباشت نمایند. (27)

قرآن کریم در حوزه اندیشه، اخلاق، ارزشها و معاشرت اجتماعی، الگوهای مناسبی را معرفی می کند و رسالت هدایتی و تربیتی خود را با بیان داستانهای واقعی به نمایش می گذارد. قرآن در حوزه اندیشه و مبارزه، باورهای خرافی و غیرواقعی عصر ابراهیم - علیه السلام - را معرفی می نماید و اینکه او در سنین جوانی به مبارزه با بت پرستی پرداخت. وی ابتدا با سرپرست خود آذر پیکرتراش گفت و گو کرد و از او و همفکرانش بیزاری جست. خداوند در قرآن می فرماید :

«و لقد آتینا ابراهیم رشده من قبل و کنا به عالمین اذ قال لابیہ و قومہ ما ہذہ التماثل الی انتم لہا عاکفون.» (28)

«ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم و از شایستگی او آگاه بودیم، آن هنگام که به پدرش و قوم او گفت : این مجسمه بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟»

حضرت ابراهیم - علیه السلام - بعد از اعلام بیزاری و اظهار دشمنی، بتها را شکست؛ ولی کسی نمی دانست که چه کسی این کار را کرده است. از این رو گزارش دادند که «سمعنا قَتیٰ یذکرهم یقال لہ ابراهیم»؛ (29) «جوانی را می شناسیم به نام ابراهیم که از بتها به بدی یاد کرده است.» و سپس تا پای جان از باور توحیدی دفاع می کند. نمونه دیگر، اصحاب کهف است. آنان جوانانی خداپاور بودند، و حاضر نشدند دست از عقیده خود بردارند :

«إِنَّهُمْ فَتِيَّةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ» (30)

«اصحاب كهف جواناني بودند که به پروردگارشان ایمان داشتند.»

و شعارشان این بود :

«رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ الْهَاءُ» (31)

«پروردگار ما پرودگار آسمانها و زمین است و به جز او خدایی دیگر را نمی خوانیم.»

این گروه خداپاور در راه عقیده خود استوار بودند و حاضر نشدند با طاغوت زمان خود همنا شوند. آنها دیار و

خانه خود را رها کرده، به غاری پناه بردند :

«إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ قَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (32)

«به یاد آور هنگامی که جوانان به غار پناه بردند و گفتند : خدایا از سویی خودت به ما رحمت بده، و زمینه رشد ما

را فراهم فرما.»

در حوزه اخلاق علمی و عملی، قرآن سرمشق معرفی می کند. از جمله در مسئله از خود گذشتگی، علی - علیه

السلام - را نمونه بارز آن معرفی می کند :

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (33)

«برخی از مردم - علی (علیه السلام) - کسانی اند که جان خود را برای خشنودی خدا می فروشند.»

قرآن برای آموختن دانش، سرمشق معرفی می کند : دانشجو در دانشگاه قرآن، حضرت موسی - علیه السلام - و

استاد خضر پیامبر است؛ با اینکه موسی دارای مقام والایی در پیشگاه خداست، از بنده ای از بندگان خدا

درخواست آموزش می کند :

«قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَيَّ أَنْ نَعْمَلَنَّ مِمَّا عُلِّمْتَ رَشَدًا» (34)

«موسی به او (خضر) گفت : آیا از تو پیروی کنم تا آنچه به تو آموخته شده و مایه رشد و تعالی است، به من

بیاموزی.»

و موسی با اعلام آمادگی و شکیبایی ورزیدن در کلاس استاد الهی راه پیدا کرد.

قرآن الگوی مبارزه با خواهشهای نفسانی را یوسف صدیق - علیه السلام - می داند که در دوره جوانی در خانه عزیز

مصر بود و در خانه زنی به نام زلیخا زندگی می کرد، با اینکه یوسف - علیه السلام - در اوج جوانی و فوران شهوت و

زلیخا زنی زیباروی بود اما با تکیه و پناه بر خدای خود، از دام شهوت رها شد و آزادمرد تاریخ گشت. قرآن برای زنان،

مریم را الگوی طهارت و پاک دامنی قرار داده، او را ستایش می کند. (35)

قرآن دختران شعیب پیامبر را الگوی شرم و حیا در جامعه بشری می داند که پیام پدر را با نهایت وقار و گام

برداشتن از روی عفت و شرم به حضرت موسی ابلاغ می کنند و الگوی رفتار و معاشرت اجتماعی را نشان می

دهند. (36)

اسماعیل در قرآن، سرمشق تسلیم و رضا در برابر خواست الهی و سرافرازی در امتحان الهی است.

خداوند در قرآن از زبان او می فرماید :

«يَا اِبْتَ اَفْعَلْ مَا تَأْمُرُ سَتَجِدُنِي اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰبِرِيْنَ» (37)

«ای پدر، هر آنچه را بدان مأموری انجام بده، به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت.»

7- جوانان از دیدگاه امام راحل - قدس سره - و انس با قرآن امام راحل - قدس سره - در طول نهضت خود همواره

جوانان را می ستود و آنان را ارشاد و راهنمایی می کرد و برای پیشبرد آرمانهای اسلام بر آنان سرمایه گذاری می نمود :

«شما جوانها امید من هستید، نوید من هستید، امید من به شما توده جوان است. به شما توده محصل است. من امید این را دارم که مقدرات مملکت ما، بعد از این به دست شما عزیزان بیفتد و مملکت ما را شما عزیزان حفظ کنید. شما جوانان برومند، شما محصلین ارجمند، در هر جای ایران که هستید باید بیدار باشید با بیداری از حقوق خودتان دفاع کنید.»(38)

«اگر قرآن نبود، باب معرفه الله بسته بود الی الابد. قرآن کتاب انسان سازی است. هر چه در راه خدا بدهیم و هر چه در راه قرآن بدهیم، فخر ماست، افتخار ماست، راه حق است؛ قرآن کریم پناه همه ماست. قرآن کتاب انسان سازی است، کتاب انسان متحرک است، کتاب آدم و کتابی است که آدمی را از اینجا تا آخر دنیا و تا آخر مراتب حرکت بکند، راه می برد ... قرآن باید در تمامی شئون زندگی ما حاضر باشد.»(39)

«من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پرافتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام مژده پیروزی نهایی می دهم، به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام ناگسستنی باشد.»(40)

«رمز پیروزی ما این است که اتکال به خدای تبارک و تعالی داشتیم، رمز پیروزی اتکال به قرآن و این شیوه مقدس که شهادت را استقبال می کردند بود. این رمز را حفظ کنید. این رمز پیروزی را تا حفظ کنید پیروز هستید.»(41)

«مجاهدات و کوششهای خستگی ناپذیر شما جوانان روشن ضمیر مسلمان در راه درک صحیح اسلام و شناسایی حقیقت قرآن کریم، موجب امیدواری و خرسندی مسلمانان بیدار است. بر شما جوانان مسلمان لازم است که در تحقیق و بررسی حقایق اسلام، در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و غیره اصالتهای اسلامی را در نظر گرفته و امتیازاتی را که اسلام را از همه مکاتب دیگر جدا می سازد، فراموش نکنید. مبدا قرآن مقدس و آیین نجات بخش اسلام را با مکتبهای غلط و منحرف کننده ای که از فکر بشر تراوش کرده است خلط نمایید.»(42)

امام راحل در کتاب ارزشمند «آداب الصلوة» با استناد به سخن امام صادق - علیه السلام - درباره قرائت قرآن توسط جوان و آثار جاودان آن می فرماید :

«در حدیث است که کسی که قرآن را در جوانی بخواند قرآن با گوشت و خونس مختلط شود. و نکته آن، آن است که در جوانی اشتغال قلب و کدورت آن کمتر است. از این جهت قلب از آن بیشتر و زودتر متأثر می شود و اثر آن نیز بیشتر باقی می ماند.»(43)

امام راحل در برخی از پیامهای خود، جوانان را به شیوایی و روشنائی سخن خداوند و بهره گیری از آن فرا می خواند :

«آنگاه که منطق قرآن آن است که ما از خداییم و به سویی او می رویم و مسیر اسلام بر شهادت در راه هدف است و اولیای خدا شهادت را یکی از دیگری به ارث می بردند و جوانان متعهد ما برای نیل به شهادت در راه خدا درخواست دعا می کردند و می کنند بدخواهان ما که از همه جا وامانده دست به ترور وحشیانه می زنند ما را از چه می ترسانند.»(44)

«جوانان عزیزم که چشم امید من به شماست با یک دست قرآن را و با دست دیگر سلاح را بگیرید و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید که قدرت تفکر توطئه علیه خود را از آنان سلب نمایید و چنان با دوستانتان رحیم باشید که از ایثار هر چه دارید، نسبت به آنان کوتاهی ننمایید. آگاه باشید که جهان امروز دنیای

مستضعفین است و دیر یا زود پیروزی از آنان است و آنان وارث زمین و حکومت کننده خدایی اند.» (45)

8- سفارشهای مقام معظم رهبری به جوانان درباره خودسازی و ارتباط با خدا رهبر معظم انقلاب هم در مواقع و مناسبتهای گوناگون درباره جوانان سخن گفته و ارشادات و رهنمودهای فراوانی بیان کرده اند که اگر جوانان آنها را به کار ببرند، به سعادت و خوشبختی خواهند رسید و هویت و جایگاه واقعی خود را در جامعه اسلامی و انقلابی خواهند یافت.

ایشان در جمع جوانان می فرمایند :

«جوانی یک پدیده درخشان و یک فصل بی بدیل و بی نظیر از زندگی هر انسانی است. در هر کشوری که به مسئله جوانان و جوان آنچنان که حق این مطلب است، درست رسیدگی بشود، آن کشور در راه پیشرفت، موفقیت‌های بزرگی به دست خواهد آورد.» (46)

«کاوش‌ها نشان می دهد که جوان ایرانی جوانی است مؤمن، پاکدامن، پاک گوهر، دارای زمینه های دینی بسیار زیاد، مایل به جنبه های معنوی، جوان ایرانی چه دخترانش، چه پسرانش هم از لحاظ امکانات روحی و معنوی و ذهنی، هم از لحاظ امکانات ایمانی در حد بسیار خوبی هستند.» (47)

«جوانها، بهتر از قشرهای دیگر می توانند خودسازی کنند؛ چون نیرومندند؛ بعضیها خیال می کنند جوانها در مقابل گناه بی تاب اند، ولی من می گویم که جوان همچنان که از قدرت جسمانی برخوردار است، از قدرت اراده هم برخوردار است. اراده همان چیزی است که انسان می تواند با اتکالی به آن خود را به خدا نزدیک و از شیطان دور کند.» (48)

مقام معظم رهبری جوانان را به تلاش در راه خدا و برای خدا دعوت می کند :

«توصیه من این است که در راه خدا، برای خدا با وحدت کامل تلاش خودتان را دنبال کنید. به شما می گویم که پروردگار متعال با شماست و آینده متعلق به شماست و شما جوانها آن روزی را خواهید دید که ایران اسلامی شما به فضل پروردگار برای کشورها و ملتها یک الگوی تقلید کردنی خواهد بود.» (49)

«به جوانان توصیه می کنم که با شرکت در نماز جماعت و مجالس دعا در کسب علم و دانش و سازندگی کشور گامهای استواری در پیشروی اهداف علمی و معنوی بردارند.» (50)

«رابطه تان را با خدای متعال محکم کنید. حرف بزنید و از او بخواهید، مخلصانه و صادقانه با او پیمان ببندید و به آن پیمان متعهد بمانید. شما جوانید حیف است که این دل‌های پاک و نورانی و روح‌های آماده به چیزی غیر از یاد خدا و محبت خدا و محبت پروردگار آلوده شود. دنیا را فقط ابزار بدانید.» (51)

«جوانان عزیز دقایق معدود نماز را فقط برای نماز بگذارند و در طول نماز تا آنجا که می توانند با تمرکز و حضور قلب مایه زندگی بخش ذکر و تضرع را برای جان و دل نیازمند خویش تأمین کنند.» (52)

«شما جوانان یاد خدا را هرگز از دست ندهید. خودتان را با خدا مأنوس کنید. شما جوانید و دل‌ها و روح‌های شما پاک و مطهر است. شما آلوده به زخارف این زندگی مادی نشده اید.» (53)

9- آداب تلاوت و ترتب به آیات وحی بی شک قرآن و تلاوت خوش آیات آن، بهترین مونس برای مردم اهل دل و جوانان است. جوانان همان طور که باید به مفاهیم ژرف قرآن توجه کنند و آن را در زندگی فردی و اجتماعی عینیت بخشند، باید به ظاهر زیبا و شگرف آن نیز توجه نمایند.

علي - عليه السلام - در سخني کوتاه مي فرمايد :

«ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ» (54)

«ظاهر قرآن زيبا و باطن و معاني آن عميق است.»

پس جوانان بايد به خوش خواني قرآن اهميت ويژه دهند، با قرآن خلوت کنند و دل و جان خود را صيقل و صفا

دهند و سخن امام ساجدان زين العابدين - عليه السلام - را آويژه گوش دارند که فرمود :

«لو مات من بين المشرق و المغرب لما استوحشت بعد ان يكون القرآن معي.» (55)

«اگر همه آنان که ميان شرق و غرب عالم زندگي مي کنند، بميرند اگر قرآن با من باشد و با او انس داشته باشم،

مرا وحشت تنهائي نمي هراساند.»

از نکات بسيار لطيف و آموزنده امامان - عليهم السلام - حالات آنان هنگام قرائت قرآن بود؛ آنان هنگام تلاوت

قرآن خود را در حال مخاطبه و مکالمه با خداوند ميديدند؛ از اين رو پيامبر - صلي الله عليه وآله وسلم - به ياران

نزديكش مي فرمود :

«إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ.» (56)

«اگر دوست داريد با پروردگار خود سخن بگوييد، قرآن بخوانيد.»

اهل بيت آن گاه که قرآن تلاوت مي کردند، گويي در مهبط وحي نشسته بودند و خداوند در گوش آنان زمزمه مهر

مي کرد. اگر قرائت آنان به گوش کسي مي رسيد گمان مي برد که در حال گفت و گو با کسي مي باشند و مخاطبي

در پيش روي خود دارند. حفص درباره حال تلاوت حضرت موسي بن جعفر - عليه السلام - مي گويد :

«و كان قرائته حُزناً فاذا قرأ فكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ إِنْسَاناً.» (57)

«قرآن را محزون مي خواند و هنگام تلاوت آن، گويي در حال گفت و گو با انساني است.»

درباره امام عسکري - عليه السلام - گفته اند :

«يَتَرْتَمُ بآيَاتِ الْقُرْآنِ فِي الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ.» (58)

«قرآن را ترتم مي کرد، آنگاه که مردم را مژده مي داد و آن گاه که آنان را از عذاب خدا مي ترساند.»

اکنون به پاره اي از لطايفي که در سيره امامان - عليهم السلام - درباره چگونگي تلاوت وجود دارد، اشاره مي کنيم :

1- قرآن را بايد به شيوه ترتيل، يعني شمرده و شيوا بخوانند و به صورت آهسته و با آواز خوش و حزين قرائت

نمايند.

امام صادق - عليه السلام - به ابوبصير درباره معنای ترتيل فرمود :

«هُوَ أَنْ تَتَمَكَّثَ فِيهِ وَ تَحَسَّنَ بِصَوْتِكَ.» (59)

«در قرائت درنگ کنی و آواز خود را نیکو گردانی.»

2- قرآن را بايد حزن آلود خواند تا غمي که در ژرفاي جان انسان وجود دارد و انسان را دردمند مي سازد، بروز کند و

انسان به سوي خدا حرکت کند. علي - عليه السلام - آن را يکي از ويژگيهاي خداترسان معرفي مي کند :

«اما الليل فصافون اقدامهم تالين لا جزاء القرآن يرتلونه ترتيلاً يحزنون به انفسهم.» (60)

«شبهه براي نماز به پا مي ايستند و آيات قرآن را با لحن خوش و دلنواز مي خوانند و جان خویش را با آن محزون

مي دارند.»

همچنين امام صادق - عليه السلام - فرمود :

«إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزَنِ فَأَقْرَأُوهُ بِالْحُزَنِ.» (61)

«قرآن به اندوه نازل شده است، پس آن را اندوهگینانه بخوانید.»

3- روخوانی قرآن فضیلت بسیار دارد. هر چند کسانی که حافظ قرآن اند، می توانند آن را از حفظ بخوانند، نگرستن به آیات قرآن، آramش به همراه می آورد. از این رو امام صادق - علیه السلام - به اسحاق بن عمار فرمود : «بل إقرأه و انظر في المصحف فهو افضل اما علمت ان النظر في المصحف عبادة.» (62)

«قرآن بخوان و به کتاب بنگر، این بهتر است، آیا نمی دانی که نگرستن به قرآن خود عبادت است؟»

4- قرآن را باید در همه جا خواند. پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود :

«نُورُوا بيوتكم بتلاوة القرآن.» (63)

«خانه های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید.»

امام سجاد - علیه السلام - در خانه قرآن می خواند و صدای خود را گاه چنان بالا می برد که اهل خانه نیز بشنوند. (64)

5- قرآن باید با صوت نیکو و لحن عربی خوانده شود؛ امام رضا - علیه السلام - فرمود :

«حَسِّنُوا بالقرآن اصواتكم.» (65)

«برای قرآن صوت خود را نیکو سازید.»

امیدواریم که جوانان با توجه به قرآن، از خرمن فیض آن خوشه ها بچینند.

نقش قرآن چون که در عالم نشست / نقشهای پاپ و کاهن را شکست فاش گویم آنچه در دل مضمّن است / این کتابی نیست، چیز دیگر است چون به جان در رفت جان دیگر شود / جان که دیگر شد جهان دیگر شود (66)

پی نوشت ها :

- 1- روانشناسی نوجوانی، بلر و جونز، ترجمه رضا شاپوریان، ص 93.
- 2- وسائل الشیعه، ج 15، ص 195؛ مکارم الاخلاق، ص 115.
- 3- سخنان رهبری در اجتماع جوانان گیلان، 12/2/80.
- 4- بحارالانوار، ج 23، ص 6.
- 5- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 56؛ وسائل، ج 12، ص 37.
- 6- در اجتماع جوانان استان مرکزی.
- 7- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 123؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 3.
- 8- سفینه البحار، محدث قمی، ج 1، ص 561.
- 9- سفینه البحار، محدث قمی، ج 2، ص 176.
- 10- وسایل الشیعه، ج 15، ص 195؛ مکارم الاخلاق، طبرسی، ص 115.
- 11- سوره فرقان (25) آیه 30.
- 12- بحارالانوار، ج 1، ص 222.
- 13- نهج البلاغه، نامه 31، نامه حضرت به امام مجتبی بعد از بازگشت از صفین.
- 14- کتاب وافی، فیض کاشانی، ج 1، ص 210.
- 15- اصول کافی، کلینی، ج 4، ص 414.

- 16- الحیاة، حکیمی، ص 153.
- 17- سوره نساء (4) آیه 41.
- 18- مجمع البیان، طبرسي، ج 3، مؤسسه اعلمي بيروت، ص 89.
- 19- «كان الرضا - عليه السلام - يكثر بالليل في فراشه من تلاوة القرآن فاذا مرّ بآية فيها ذكرُ جَنَّةٍ او نارٍ بكي و سأل الله الجنة و تعوّد به من النار.» فضائل القرآن، ص 43.
- 20- تفسير موضوعي، جوادي آملی، ج 9، ص 367.
- 21- الهی قمشه اي.
- 22- سیمای فرزندگان، ص 172.
- 23- همان.
- 24- همان، ص 167.
- 25- مثنوی معنوی.
- 26- جوانان و بینشهای ناب، احمد لقمانی، ص 12.
- 27- روان شناسی تربیتی، غلامعلی افروز، ص 143.
- 28- سوره انبیاء (21) آیه 51 و 52.
- 29- سوره انبیاء (21) آیه 60.
- 30- سوره كهف (18) آیه 13.
- 31- همان، آیه 14.
- 32- سوره كهف (18) آیه 10.
- 33- سوره بقره (2) آیه 207.
- 34- سوره كهف (18) آیه 66.
- 35- ر.ك : سوره آل عمران (3) آیه 42.
- 36- سوره قصص (28) آیه 25.
- 37- سوره صافات (37) آیه 102 - 107.
- 38- صحیفه نور، ج 2، ص 179 - 180.
- 39- کلمات قصار حضرت امام - قدس سره - ، ص 43.
- 40- صحیفه نور، ج 2، ص 112.
- 41- صحیفه نور، ج 6، ص 17.
- 42- همان، ج 1، ص 158.
- 43- آداب الصلوة، ص 19.
- 44- صحیفه نور، ج 11، ص 39.
- 45- همان، ج 12، ص 19.
- 46- دیدار با جوانان در مصلاي بزرگ تهران، 1/2/79.
- 47- همان.
- 48- در جمع بسیجیان گیلان، 16/2/80.

- 49- در اجتماع مردم اراک.
- 50- روزنامه اطلاعات، 24/7/74.
- 51- روزنامه جمهوری اسلامی، 20/6/74.
- 52- کیهان، 9/7/76.
- 53- حدیث ولایت، ج 6، ص 23.
- 54- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خ 18، ص 75.
- 55- بحارالانوار، ج 46، ص 107.
- 56- کنزالعمال، متقی هندی، خبر 2257.
- 57- اصول کافی، ج 2، ص 606.
- 58- شذرات الذهب، ابن هشام، ج 2، ص 128.
- 59- مجمع البیان، ذیل آیه 4 مزمل.
- 60- نهج البلاغه، خطبه متقین، 193.
- 61- وسایل الشیعه، ج 4، ص 857.
- 62- کافی، ج 4، ص 418.
- 63- همان، ج 4، ص 413.
- 64- وسایل الشیعه، ج 4، ص 585.
- 65- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 69.
- 66- اقبال لاهوری.